

۱۳۹۹۳۱۷

حلقه

نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران

رایحه مظفریان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابخانه ملی

مظفریان، رایحه، ۱۳۶۵ -
حلقه: نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران / رایحه مظفریان
تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۹۴
۲۲۴ ص.
۹-۱۱۴-۱۹۴-۹۶۴-۹۷۸
فیپا
سن ازدواج - ازدواج کودکان
۱۳۹۴ م ۶ س ۹ / ۱۹۸/۶ BP
۲۹۷/۳۷۵
۴۱۴۱۰۲۷

حلقه

نگاهی به ازدواج زودهنگام در ایران

نوشته: رایحه مظفریان

نوبت چاپ و تاریخ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۴۰۰ جلد

چاپ و صحافی: ایماژ

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان - تلفاکس: ۸۸۷۲۳۹۳۹ - ۸۸۷۲۲۶۶۵ - ۸۸۷۱۶۳۹۱
آدرس: تهران، خیابان سید جمال الدین اسدآبادی، میدان فرهنگ، خیابان سی و سوم، نزدیکی خیابان مناج، پلاک ۲۱، طبقه همکف واحد ۳
صندوق پستی: ۵۸۱۷-۱۵۸۷۵
پست الکترونیک: roshangaran68@gmail.com
برای دریافت اطلاعات بیشتر در زمینه ازدواج کودکان در ایران به سایت زیر مراجعه فرمایید:
www.stopemiran.com

مراکز پخش و فروش: ۱- شبکه پستی و سایت تلفن: ۸۸۷۱۶۳۹۱-۸۸۷۲۳۹۳۶

۲- پخش ققنوس: تلفن ۴۳ الی ۶۶۴۰۸۶۴۰

۳- پخش گزیده: تلفن ۶۶۴۰۰۹۸۷

۴- پخش گسترش: تلفن ۷۷۳۵۰۹۷۰

۹-۱۱۴-۱۹۴-۹۶۴-۹۷۸

978-964-194-114-9

شابک:

فهرست مطالب

درباره‌ی مؤلف	۵
درباره‌ی این کتاب	۷
پیشگفتار	۱۰
ازدواج کودکان: وضعیت ایران و جهان در یک نگاه	۱۶
مقدمه	۱۹
۱ ازدواج کودکان	۲۹
ازدواج دختران	۶۹
ازدواج پسران	۹۳
۲ طلاق کودکان	۱۰۳
طلاق دختران	۱۱۳
طلاق پسران	۱۱۹
۳ توزیع سنی زوجین در زمان ازدواج و طلاق	۱۳۱
۴ تأثیر ازدواج و طلاق زودهنگام بر کودکان	۱۴۸
۵ مادران کودک، کودکان بی‌مادر	۱۵۶
۶ تازه‌ترین آمارها	۲۰۱
منابع	۲۱۸

پیشگفتار

اعمال تاریخی از این رو که مورد استناد جامعه قرار می‌گیرند و به سنت و روش‌های عرفی قوت و قدرت اجتماعی بخشند قابل ذکر هستند، و گرنه در همان زمان‌ها ازدواج زودهنگام پسران و دختران به طور حتم مفاسد روانی/عاطفی و جسمانی/جنسی خود را داشته است.

با آن که نکاح کردن را از آداب راه دین می‌شمردند و سبب اصل وجود و فایده‌ی آن را در فرزند داشتن، دین در حضور کسب، حصول راحتی در دل، داشتن یاور در راه دین، و کفایت مهمات اهل و عیال می‌دانستند، اما بنا به سبب و مضاف دیگری زنان و دختران وجه المصلحه قرار می‌گرفتند و حقوق انسانی و رضایتمندی‌های مشروع آنان در ازدواج نادیده می‌ماند. از جمله این علل، صلح بین قبایل، نجات از مرگ، انتقام و تنبیه، انجام بودت و اتحاد، جایزه و قدردانی از متحد، به رسمیت شناخته شدن قدرت، ترس و سرانجام هوسرانی بود.

دالمانی^۱ می‌نویسد: «موضوع ازدواج در ایران یکی از امور بسیار مهم بشمار می‌رود. ایران از این حیث بر کشورها و مللی که ادعای ترقی و تمدن می‌کنند برتری دارد. در دستورات اسلامی با تأکید زیاد امر به ازدواج شده است و شرایط آن هم سهل است. تعذیب به معین دستورات که نتایج اخلاقی دارند، والدین در تأهل فرزندان خود شتاب دارند و به محض بلوغ آن‌ها به مرحله تأهل برسد آن‌ها را وادار به ازدواج می‌کنند و غالباً در سن سه یا چهار سالگی برای آن‌ها نامزدی معین می‌نمایند، مخصوصاً در خانواده‌ی سلطنتی در موقع تولد کودک نامزدی برای او انتخاب می‌کنند^۲».

خانم مظفریان به خوبی موارد شرعی حاکم بر ازدواج دختران کم سال را تذکر داده‌اند. بنابراین ذکر مجدد آن‌ها موجب تملال خواهد بود. چون «قانون» در این زمینه نیز همچنان راهی به دهی نبرده و شرع و عرف بر «نکاح» حکومت می‌کنند، لذا ذکر واژه «ازدواج» از سر توسع معنی است.

۱. دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری؛ شامل بر: طرز زندگی، آداب و رسوم... و صنایع ایران از زمان قدیم تا پایان سلطنت قاجاریه، ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.

۲. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش (و) روزگار.

ازدواج از دیرباز محل گفتگو بوده ولی در نظر کلی «تشکیل خانواده محترم و بنیاد خانواده معتبر بوده است و البته پدر سالار، زن و فرزند بنده و فرمانبردارند و از مقام اجتماعی زن و حقوق انسانی او خبری نیست و به حقیقت اطاعت بلا تصور از اولیای دین و دولت که جوهر تعلیم اندرز نویشان را می سازد دنباله مفهوم فرمانبرداری از پدر خانواده است»^۱.

«متمولین و اعیان ایرانی از روی قانون و حساب، دختران را تزویج می نمایند وگی طبقات متوسطه و عوام الناس حتی المقدور در تزویج زوجات خود به خویشان و اقارب استشاره می کنند. در ایران به ندرت اتفاق می افتد که داماد عاشق عروس بشود و بتواند او را از جهت خود تزویج بنماید»^۲ از آنجا که تاریخ نویسی سنتی چیزی بیش از ثبت سرگذشت بزرگان نبوده و توسط تذکره نویسان و تاریخ نگاران درباری ایران رای ما به یادگار مانده است، مواردی که به نظر خوانندگان می رسد بیشتر از این مقوله هستند. البته در دوران متأخر، سیاحان و جهانگردان آزاد یا مأمور خدمت در دربار اطلاعات گرانمایی از زندگی داخلی مردم و جماعات در سفرنامه های خویش نگاشته اند، ولی تقریباً همه ی منابع از سلوک، اخلاق، خصلت ها، خویشتن یا بدبختی زوج های ایرانی کم سال خالی اند. از نمونه های جالب گزارش ازدواج اجباری (خاطرات تاج السلطنه) است که ازدواج سلطنتی و فرمایش اش منجر به رنج، سقط جنین و سرانجام طلاق شد و به شرح گزارشی در نوع خود کم نظیر است.^۳

چون در کتاب حاضر، کودک به معنای اصطلاحی ورد رجه است، و نه فقط دختر بچه ها که آمار مصائب آنان می تواند کلاً گزارش را به نفع خود ترف کند، در آغاز بهتر است به مسئله ی ازدواج پسران خردسال نیز اشارتی، هر چند اندک، بشود. تجلیل بیشتر از این نمی شود که پسری یکساله را داماد کنند! ازدواج های سلطنتی و درباری با حسابگری و نقشه کشی و زمینه چینی هایی همراه بوده که اندیشه ی تولید مثل و تکثیر یا داشتن آرام جان و همسر هدف اصلی آن نبوده است. «به وقت مراجعت عزالدین گرشا سف از طبرستان، دختری از شاه اردشیر برای نیکو یکساله خود به نامزد خواست. ملک اردشیر دختر را به نامزد او کرد»^۴.

۱. آدمیت، فریدون، ناطق، هما (۱۳۵۶)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه، صص ۲۰ و ۲۲.

۲. جیمس ویلس، چالز (۱۳۶۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عهد قاجاریه، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: زرین، ص ۱۲۱.

۳. خاطرات تاج السلطنه، به کوشش مسعود عرفانیان (۱۳۷۸)، تهران: نشر تاریخ ایران.

۴. مرعشی، میر سید ظهیرالدین بن نصیرالدین (۱۳۴۵)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، به کوشش محمدحسن تسبیحی، تهران: مشرق، ص ۲۶.

گاه داماد جوان از زفاف جان سالم بدر نمی‌برده است. «در سته‌ی نه‌صد و شصت و یک خلف ارجمند سعادتمند خود رستم میرزا را که به حسن جمال و فضایل و کمال از سایر شاهزاده‌ها ممتاز بود و در سن شانزده سالگی بود، داماد نمود... مدت شش ماه آن عروسی امتداد یافت تا زفاف واقع شد... بعد از وقوع زفاف شاهزاده را بیماری طاری [عارض] شده بر بستر مرض افتاده و در آن سن و سال و حسن و جمال ندای ارجعی الی ربک راضیه مرضیه را لبیک گفت».

و البته همگان باباخان یا همان فتحعلی‌شاه نمی‌شوند که آمار زنان او نجومی است (از ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ گزارش کرده‌اند) و باید از یازده سالگی شروع می‌کرده است. «نواب آقامحمد خان در سال ۱۱۹۶ ... نزول اجلال به مازندران نموده و دختر نیک اختر جعفرخان پسر قادر خان عرب عامری بسطامی را که از امرای مدار بود در عقد ازدواج نواب امیرزاده فتح علی خان مشهور به بابا خان برادر زاده خود که یازده سال رسیده برقیش گذشته بود درآورد و مجلس عیش و سرور چنان که سزاوار پادشاهان است برپا نمود».

ویلیام فرانکلین در سفرنامه خود به نام «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» در بخش ازدواج می‌نویسد: «در ایران مانند سایر کشورهای شرقی اغلب اتفاق می‌افتد که قرار ازدواج دو نفر در سنین پایین بین خانواده‌ها گذارده می‌شود و بارجو آن که عمل زنا شویی تا سال‌ها بعد بین این دو نفر انجام نمی‌گیرد، دختر نمی‌تواند برخلاف قرار داده شده عمل کند، مگر با توافق کسی که به عنوان شوهر برایش انتخاب گردیده یا با پرداخت مبلغ قابل توجهی پول. تعهدات مربوط به ازدواج در این مورد شامل حال مرد نیز می‌شود».

«رضاقلی میرزا، پسر بزرگ نادرشاه، در سال ۱۱۴۳ با فاطمه سلطان خانم همشیره سیزده ساله‌ی شاه تهماسب ازدواج کرده و اگر گفته‌ی میرزا مهدی خان نویسنده جهانگیرستان نادرستی درست باشد، باید رضاقلی میرزا در سن دوازده سالگی با دختری سیزده ساله عروسی کرده باشد».

این روش‌ها در روایات فرنگیان از زندگی مردمان نیز خودنمایی می‌کند: «معمولاً دختران را در سنین ۱۱ و ۱۲ سالگی به شوهر می‌دهند و پسران را در ۱۶ یا ۱۷ سالگی وادار به ازدواج می‌نمایند

۱. قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی القمی (۱۳۵۹)، خلاصه التواریخ، به تصحیح احسان اشراقی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵۵۱.

۲. حسینی فسایی، حاج میرزا حسن (۱۳۶۷)، فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ص ۶۲۷.

۳. ابوالحسن بن محمد امین گلستانه (و) زین‌العابدین کوهمره‌ای ملقب به امیر در تاریخ زندیه (۱۳۵۶)، مجمل‌التواریخ: شامل وقایع و رویدادهای ۳۵ ساله بعد از نادر شاه، به سعی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۳۹۴، حواشی.

۴. مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹)، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی، تهران: آفرینش (و) روزگار، ص ۱۹۶.

و گاهی هم اتفاق می افتد که به واسطه طمع و سود پرستی دوشیزه کوچکی را به مرد سی ساله‌ای می دهند. «ازدواج‌های قبل از بلوغ مانع رشد طبیعی دوشیزگان است و به واسطه فشار خانه‌داری و تعذیات شوهران که زنان را ملک طلق خود می دانند غالباً کدورت و کسالت‌های روحی به زن‌ها عارض می گردد و نشاط جوانی آن‌ها از میان می رود و خیلی زود به ضعیف و فرسودگی مبتلا می شوند.» در ایران دختر پیر کمتر دیده می شود زیرا دختران به محض اینکه به بلوغ رسیدند باید ازدواج نمایند و به مقام مادری برسند و اگر زیاد در خانه بمانند دیگران با نظر حقارت به آن‌ها نگاه می کنند. بنابراین دختران جوان پیوسته در این فکر هستند که با پسر جوانی ازدواج نمایند.

به مرگ عروسان کم سن تا چه حد می توان مشکوک بود؟ «صبح خانه نظام الملک رفتم چون ریبیه‌ی او [دختر هجده ساله‌اش] علی‌ه خانم ... فوت کرده است، تعزیت رفتم. این علی‌ه خانم بیچاره سرده سال داشت و تازه او را به جهت سلیمان خان پسر دایش عروسی کردند به مرض مخملک در سه روز فوت شد».

مادام دیالافوا^۱ که در دهکده با سنخ با دختر نایب چاپارخانه گردش رفته بوده، می نویسد: «دختر راهنمای من شش الی هفت سال داشت و با این سن کم قیافه زنان را پیدا کرده است، به طوری که می گفت سال آینده چادر به سر خواهد کرد و علوم است که مطابق معمول در سن دوازده سالگی باید شوهرداری کند و بچه‌ای هم در بغل داشته باشد».

پولاک^۲ می نویسد: «در ایران پسر بچه در چهارده سالگی بالغ می شود. هرگاه وی از خانواده‌ی معتبری باشد در حدود شانزده سالگی یا هفده سالگی، گاهی حتی در ده سالگی بزرگترها برایش یک زن قراردادی، که صیغه نامیده می شود، می گیرند. تازه هنگامی که کسب و کاری پیدا کرد و به سن رشد واقعی رسید وی به ازدواج واقعی (عقدی) با دختری از خانواده‌ی محترم یا دختر عموی یا یکی از شاهزاده خانم‌ها تن می دهد. بلافاصله، زن قبلی یا پی‌در پی می رود و یا در خانه‌ای دیگر سکنی می گزیند ... زن عقدی همسر حقیقی او محسوب می گردد. زن اول محض این است که آن جوان مطالب مزاجت را ملتفت گردد. تنها شاهد یک مورد بودم که سن پدر و پسر بیش از چهارده سال قمری یا هم تفاوت نداشت. صحبت از شاهزاده سیف‌الدوله است ... مردانی که در آستانه‌ی هفتاد سالگی اند، دختر بچه‌ی ده ساله را به زنی می گیرند بی آنکه عمل آن‌ها جلب توجه خاصی کند یا یاهو گویی را باعث شود. عکس آنچه گفته شد بسیار به ندرت رخ می دهد. یعنی مرد

۱. روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه مربوط به سال‌های ۱۲۹۲-۱۳۱۳ق، ص ۲۷۶.

۲. سفرنامه مادام دیولافوا: ایران و کلد (۱۳۶۱)، ترجمه و نگارش فره وش (مترجم همایون)، تهران: خیام.

۳. پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاووس جهاندار، تهران: خوارزمی، ص ۱۴۶.

جوان شانزده ساله‌ای به سهولت یک عاقل زن بیوه را نمی‌گیرد، مگر آنکه ملاحظات صنفی یا مالی در مد نظر باشد.»

شواهدی دیگر حاکی از برنامه‌ها و جاه طلبی‌های بزرگسالانی است که فرزندان خویش و آینده و خواست و تمایلات آنان را نادیده می‌گیرند. «عروسی معتبر دیگر که از این سمت رود کرج تا آن سوی رود ارس صدای مبارکبادش بلند بود، عروسی شیرین جمال خانم همشیره سیف‌الدوله بود که در سن چهار سالگی او را حسین خان سردار قاجار قزوینی برای مهدی قلی خان پسرش که در آن وقت هفت ساله بود، [نامزد] کرده است.^۱» «مشیرالملک صبیّه‌ی میرزا آقای سید را که داماد معزالملک است به جهت پسر خود عقد کرده، ولی دختر به سن پنج سال است که به ولایت پدر عقد کرده‌اند.^۲» «شنیدم دیشب اخترالدوله صبیّه‌ی خودشان را که هشت سال تمام دارد بی مقدمه به عزیزالسلطان نامزد فرموده... حکم شد تهیه شیرینی خوران بینند. هر روز صبح عزیزالسلطان با موزیکانچی‌ها و فرانس‌ها که سک که دارد، می‌رود درب اطاق، اخترالدوله را به کالسه نشاند و می‌برد مکتب خانه، عصر به هفت تن میل مراجعت می‌دهد.^۳» دکتر فوریه نیز در کتاب خود ذیل سال ۱۸۸۹ م به این عقد اشاره کرده است: «عزیزالسلطان دوازده سال و اخترالدوله هشت سال دارد.^۴»

تعدد زوجات برای تشفّی هوی و هوس سران و اربان کافی نبوده و به دختران کوچکتر از فرزندان خویش نیز ابقا نمی‌کردند. «معاون پسر قوام الدوله که ا-مق‌تر و ابله‌تر از تمام مخلوق ایران است به واسطه‌ی مکتب زیاد پدر، خودش را خیلی قابل می‌داند... و بعد پنج شش زن و پنج شش اولاد بزرگ دختر دوازده ساله‌ی ظهیرالدوله را که از فروغ الدوله است عروسی می‌کند و این دختر ملقب به عزیزالملوک است و عجیب این است که این شخص عروسی با سار سرنا می‌کند. پول زیاد و آسودگی خیال این طور دیوانگی را سبب می‌شود.^۵» «حسام الملک در محله قریب یک ماه است عروسی می‌کنند و زیاده از صد هزار تومان تا به حال خرج کرده. از اهدا و کرمانشاهان و

۱. شاهزاده احمد میرزا عضدالدوله (۱۳۲۸)، تاریخ عضدی، به اهتمام حسین کوهی کرمانی، تهران: مظاهری، ص ۳۶.
۲. وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ ق، به کوشش سعیدی سیرجانی (۱۳۶۲)، تهران: نوین، ص ۲۸۷.
۳. روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، مربوط به سال ۱۳۰۷ ق، ص ۶۷۲.
۴. سه سال در دربار ایران، خاطرات دکتر فوریه، پزشک ویژه ناصرالدین شاه، ترجمه عباس اقبال، به کوشش همایون شهیدی (۱۳۶۲)، تهران: دنیای کتاب، ص ۲۱۸.
۵. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۹۱۶.

آذربایجان و اصفهان از اعظم و اعیان را وعده گرفته، شب و روزی چهار پنج هزار نفر را خرج می‌دهد و هم چنین مال‌های آن‌ها را علیق می‌دهد. دختر حضرت ولیعهد را برای پسرش گرفته. می‌گویند داماد دوازده سال و عروس پانزده سال دارد^۱.

نمونه‌های متعدد بالا که اسناد و مدارک تاریخی آن‌ها را مضبوط داشته‌اند، در واقع مثنی نمونه‌ی خروار است و بر این قیاس و این رویه می‌توان به حجم ارتکاب در کل جامعه پی برد. حال بعد از گذشت این همه زمان و آشنا شدن جامعه با خطرات و مضار این گونه ازدواج‌ها که در تحقیقات مختلف پزشکی ثابت شده است و نیز وجود آمار مرگ و میر ناشی از عدم آمادگی پذیرش امر جنسی که انکار ناپذیر است، باز هم مجبور به بحث می‌شویم تا شاید جلوی این فجایع را بگیریم. تحقیق خانم را نه «عمریان زنگ خطریست به غایت بلند و هوشیاری به موقع، باشد که نبوشا باشیم و متنبه شویم».

بنفشه حجازی^۲

۱. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، مربوط به سال ۱۳۰۹ ق، ص ۸۲۳

^۲ بنفشه حجازی پژوهشگر و نویسنده نامور ایران امروز است. مهمترین پژوهش او بررسی تاریخ حیات اجتماعی زن از ایران باستان تا عصر حاضر شامل شش جلد: زن تاریخ (بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان)، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول تا عصر صفوی)، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تاریخ هیچکس (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر زندیه و افشاریه)، تاریخ خاتمه‌ها (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر قاجار)، زنان مبارز ایران (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران) است. تاج الرجال (رابعه عدویه)، چند کلمه از مادرشوهر (بررسی جایگاه زن در امثال حکم و اشعار عامیانه زبان فارسی)، زنان ترانه (بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه) و تذکره‌ی اندرونی (شرح حال و شعر شاعران زن قرن سیزدهم تا پهلوی اول) از دیگر پژوهش‌های اوست. از وی چند رمان و مجموعه شعر نیز منتشر شده است.